

## فصل

# مفهوم فرهنگ



### ❖ اهداف آموزشی

- ❖ بررسی مفهوم و ویژگی فرهنگ
- ❖ بررسی تفاوت فرهنگ و تمدن
- ❖ آشنایی با اصطلاحات مربوط به فرهنگ
- ❖ آشنایی با تحول فرهنگ و تحول بشر
- ❖ نقش دین در فرهنگ‌سازی
- ❖ آشنایی با موضوع جامعه‌شناسی فرهنگی
- ❖ بررسی قلمرو جامعه‌شناسی فرهنگی

---

## □ فرهنگ<sup>۱</sup>

### □ تعاریف فرهنگ

انسان‌ها به این دلیل از حیوانات متمایز هستند که دارای فرهنگ‌اند، یعنی از میراثی اجتماعی بهره‌مند هستند که از طریق ساختار زیستی آدمی منتقل نمی‌شود. فرهنگ از مهمترین موضوعات در حیطه جامعه‌شناسی است، زیرا بدون مطالعه و بررسی فرهنگ جامعه، پژوهش در جامعه‌شناسی غیرممکن می‌شود. اما این که فرهنگ چیست، چه ویژگی‌ها و کارکردهایی دارد، در این فصل بررسی می‌شود. از فرهنگ تعاریف متعددی ارائه شده است که اغلب آنها توسط دیگر دانشمندان مورد انتقاد قرار گرفته است. یکی از تعاریفی که کمتر مورد انتقاد قرار گرفته تعریف «تایلور»<sup>۲</sup>، مردم‌شناس انگلیسی، از فرهنگ است که در سال ۱۸۷۱ م. ارائه شد.

– وی معتقد بود: «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای از علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار، اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم، سنت‌ها و به طور خلاصه کلیه آموخته‌ها و عادت‌هایی است که یک انسان به عنوان عضو جامعه کسب می‌کند.»

– «ناصر فکوهی»، انسان‌شناس ایرانی فرهنگ را مجموعه‌ای از ویژگی‌های رفتاری، عقیدتی و اکتسابی اعضای یک جامعه خاص که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد، تعریف می‌کند. تعریف «سمنر»<sup>۳</sup> جامعه‌شناس آمریکایی معتقد است: فرهنگ مجموعه‌ای از آداب و رسوم، سنت‌ها و نهادهای اجتماعی است.

- 
1. Culture
  2. E.B. Taylor
  3. Semner



– به طور خلاصه می‌توان فرهنگ را مجموعه‌ای نظام‌مند از دستاوردهای انسان دانست. اعم از مادی (تکنولوژی، پوشاک و ...) و غیر مادی (ارزش‌ها، آداب و رسوم، هنجارها و ...) که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و انسان آن را از دوران کودکی کسب می‌کند.

در واقع فرهنگ تنها مجموعه‌ای انباشته از شیوه‌های مختلف زندگی نیست، بلکه نظامی سازمان یافته از رفتارها یا شیوه‌ی عمومی زندگی گروهی است که انسان‌ها را در هر جامعه به هم پیوند داده و هویت اجتماعی را به وجود می‌آورد (محسنی؛ ۱۳۸۶: ۸۶).

فرهنگ دارای کارکردهای مشخص ویژه‌ای است که از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر متفاوت است. به عنوان مثال: فرهنگ، چگونگی تشکیل خانواده، چگونگی اجتماعی شدن و پرورش کودکان، شیوه‌های ازدواج و طلاق، الگوهای رفتار اجتماعی و غیره را مشخص می‌کند. البته برخی از کارکردها و ویژگی‌های فرهنگ در همه‌ی جوامع مشترک است، مانند: مراقبت از کودکان، انواع تنبیهات و پاداش‌ها، نظارت اجتماعی، زندگی خانوادگی، اما شیوه‌های آن متفاوت است.

### □ ویژگی‌های فرهنگ

**ویژگی‌های عمده‌ای که می‌توان برای فرهنگ نام برد، به طور خلاصه عبارتند از:**

۱- فرهنگ آموختنی است: فرهنگ به طور ژنتیک و ارثی به افراد منتقل نمی‌شود بلکه در فرایند اجتماعی شدن به فرد منتقل می‌شود.

۲- فرهنگ جنبه اجتماعی دارد: فرهنگ انفرادی نیست و خصلت مشترک افراد را آشکار می‌کند و بر فرد مسلط است.

۳- فرهنگ پویا و رشد یابنده است: در واقع فرهنگ ایستا وجود ندارد، حتی دور افتاده‌ترین فرهنگ‌ها نیز در اثر گذشت زمان دچار تحول می‌شوند.

۴- فرهنگ تنوع‌پذیر است: این تنوع در اختلاف بین فرهنگ‌ها آشکار می‌شود.

۵- فرهنگ مجموعه راه‌های زندگی اجتماعی است: زیرا فرهنگ هر جامعه تعیین می‌کند که افراد چگونه احساس کنند، چه رفتاری داشته باشند و ادراک آنها چگونه باشد. فرهنگ عصاره زندگی اجتماعی است و در تمام افکار، امیال، الفاظ و فعالیت‌های انسان منعکس می‌شود (قرائی‌مقدم؛ ۱۳۸۲: ۱۵۲).

۶- در همه‌ی فرهنگ‌ها زبان به خصوصی وجود دارد: که این موضوع عامل مهم انتقال و تثبیت فرهنگ است.

## □ کارکردهای فرهنگ

بی‌شک یکی از مهمترین مؤلفه‌های زندگی اجتماعی، فرهنگ و کارکردهای فرهنگ در جامعه است. اهمیت و ضرورت فرهنگ در جامعه به اندازه‌ای است که می‌توان اشاره کرد، بدون فرهنگ جامعه نیز وجود نخواهد داشت.

برخی از مهمترین کارکردهای فرهنگ عبارتند از:

- ۱- **اجتماعی کردن افراد:** افراد جامعه از طریق اجتماعی شدن مهارت‌های زندگی اجتماعی را می‌آموزند و نقش فرهنگ در این امر بسیار مهم است.
- ۲- **آموزش و پرورش:** نوع آموزش و پرورش افراد جامعه به طور معمول از فرهنگ جامعه نشأت می‌گیرد.
- ۳- **نظارت اجتماعی:** فرهنگ از طریق القای شیوه‌های خاص زندگی در جامعه و همسو کردن افراد جامعه با یکدیگر، نظارت اجتماعی را آسان‌تر می‌کند.
- ۴- **سازگاری فرد با ارزش‌های موجود:** فرهنگ موجب می‌شود که افراد با ارزش‌های جامعه سازگاری یابند.
- ۵- **ایجاد ارتباط بین افراد جامعه:** فرهنگ با ایجاد شرایطی مشابه و یادگیری زبان، ارزش‌ها و هنجاری‌ها و ... به طور مشترک موجب ارتباط آسان‌تر افراد با یکدیگر می‌شود.
- ۶- **هویت بخشی به افراد جامعه:** فرهنگ موجب هویت بخشی به افراد جامعه می‌شود و موجبات تمایز هویت افراد جامعه را با افراد دیگر مشخص می‌کند.
- ۷- **ارائه الگوهای رفتار فردی و اجتماعی:** فرهنگ الگوهای رفتاری مردم یک جامعه را مشخص می‌کند. اینکه در زمان‌ها و مکان‌های مختلف چه رفتاری داشته باشند.

## □ فرهنگ متمایز از جامعه

جامعه به گروهی از افراد مختلف اطلاق می‌شود که در طول هزاران سال با یکدیگر در سرزمین معین زندگی کرده و سرانجام خود را به عنوان یک واحد اجتماعی متمایز از گروه‌های دیگر، سازمان داده‌اند. افراد هر جامعه فرهنگ مشترکی دارند، ممکن نیست که فرهنگ جدا از جامعه و جامعه جدا از فرهنگ باشد. فرهنگ شیوه زندگی گروه‌های اجتماعی است، در حالی که جامعه گروهی از افراد است که در محل خاصی زندگی می‌کنند (کوئن؛ ۱۳۷۰: ۵۹).



## □ تفاوت فرهنگ و تمدن

### ■ تعریف تمدن

در تعریف ساده‌ای از تمدن می‌توان گفت؛ «تمدن مجموعه‌ای پیچیده از پدیده‌های اجتماعی قابل انتقال شامل عناصر مختلف علمی، فنی، زیباشناختی، اخلاقی و ... مشترک در همه اجزای یک جامعه یا چندین جامعه مرتبط با یکدیگر است».

فرهنگ و تمدن تفاوت‌هایی با هم دارند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

⊙ تمدن برخلاف فرهنگ، دارای مقیاس سنجش دقیق است ولی فرهنگ استاندارد سنجش ندارد،

عناصر ایده‌آل و اندیشه‌های مربوط به یک فرهنگ در زمان و مکان تغییر می‌کنند.

⊙ تمدن پیوسته در حال پیشرفت است ولی فرهنگ چنین نیست. اجزای سازنده تمدن: ماشین

آلات، وسایل حمل و نقل و ارتباطات و غیره همواره رشد می‌کنند ولی نمی‌توان نتیجه گرفت که

هنر امروز برتر از گذشته است.

⊙ تمدن بدون تلاش زیاد منتقل می‌شود، اما فرهنگ چنین خصلتی ندارد.

⊙ تمدن را می‌توان بدون تغییر یا کاستی وام گرفت، اما در مورد فرهنگ چنین نیست، انتقال دین،

ادبیات، اندیشه‌ها و ایده‌آل‌ها به سهولت امکان‌پذیر نیست.

⊙ فرهنگ درونی و به طور ذاتی هدف است حال آن که تمدن بیرونی و وسیله است. تمدن در برگیرنده

اشیای خارجی است اما فرهنگ؛ با اندیشه‌های درونی، احساسات، ایده‌آل‌ها و ارزش‌ها رابطه دارد.

⊙ به عقیده ماکس وبر، تمدن در برگیرنده اشیا مفید عادی و روش‌های تولید و کاربرد است حال

آن که فرهنگ ایده‌آل‌ها و جنبه‌های ذهنی را در بر می‌گیرد. به عقیده آگبورن تمدن مرحله

نهایی فرهنگ فوق ارگانیک است (محسنی؛ ۱۳۸۸: ۴۰).

## □ اصطلاحات تخصصی فرهنگ

❖ فرهنگ‌پذیری<sup>۱</sup>: عبارت است از پذیرش برخی از عناصر فرهنگ یک جامعه توسط جامعه دیگر.

❖ اشاعه فرهنگی<sup>۲</sup>: فرایندی که فرهنگ از طریق آن از یک گروه یا جامعه به جامعه دیگر انتقال می‌یابد.

1. Acculturation

2. Cultural Distribution

- ❖ **نسبیت فرهنگی**<sup>۱</sup>: قضاوت ارزش‌های فرهنگی هر جامعه با توجه به معانی و مفاهیم مربوط به آن فرهنگ و با نگرش مربوط به آن جامعه می‌باشد. فرهنگ مطلق نیست بلکه از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است.
- ❖ **شوک فرهنگی**: سردرگمی و حیرت فرد در مواجهه شدن با آداب و رسوم یا رفتارهای افراد یک جامعه غریبه یا بیگانه است.
- ❖ **تأخر فرهنگی**: تغییر یک جنبه از فرهنگ و تأخیر در تغییر جنبه دیگر فرهنگ است که اغلب بعد مادی فرهنگ رشد می‌کند و تغییرات غیر مادی (تفکر) بعد از آن صورت می‌گیرد. به عنوان مثال: ورود تکنولوژی به کشورهای عقب مانده قبل از آمادگی ذهنی در مورد آن تکنولوژی.
- ❖ **هماندی فرهنگی**: درونی کردن الگوی فرهنگی جامعه بزرگتر از سوی گروه قومی یا اقلیت جامعه است.
- ❖ **هویت فرهنگی**: الگوی رفتاری منحصر به فرد یک فرهنگ که از فرهنگ دیگر آن را متمایز می‌کند و متعلق به مردم همان جامعه است که برای دیگر جوامع بیگانه است.
- ❖ **توسعه فرهنگی**: نوعی دگرگونی که از طریق تراکم عناصر فرهنگی در یک جامعه معین صورت می‌گیرد و بر اثر آن جامعه همواره کنترل مؤثری بر محیط طبیعی و اجتماعی اعمال می‌کند در این تراکم، معارف، فنون و تکنولوژی به عناصری که از پیش وجود داشته و منشأ این‌ها بوده افزوده می‌شود (توسلی؛ ۱۳۷۰: ۸۶).
- ❖ **تفاوت‌های فرهنگی**<sup>۲</sup>: فرهنگ هر جامعه منحصر به فرد است و شامل ترکیبی از ارزش‌ها و هنجارهایی است که با جامعه دیگر متفاوت است.
- ❖ **فولکلور**<sup>۳</sup>: باورها، اعمال، نحوه غذا خوردن، شیوه لباس پوشیدن، آداب، رسوم و ... که در منطقه خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر دانش عامیانه و فرهنگ توده مردم است.
- ❖ **سرمایه فرهنگی**<sup>۴</sup>: تمرکز و انباشت انواع مختلف کالاهای ملموس فرهنگی و نیز قدرت و توانایی در اختیار گرفتن این کالاها و استعداد و ظرفیت فرد در شناخت و کاربرد این وسایل است.

1. Cultural relativity
2. Cultural difference
3. Folklore
4. Cultural capital



## □ انواع سرمایه فرهنگی

### ■ غیرمادی

که در ذهن فرد بر اثر مطالعه، تمرین، تکرار و آموزش‌های عملی به وجود می‌آید.

### ■ مادی

کالاهاى فرهنگى ملموس مانند آثار هنرى، کتب، گزارش‌هاى عملی.

### ■ نهادى و سازمان یافته

که از طریق مدارک رسمى یا تحصیلى توجیه می‌شود و قابل انتقال به فرد دیگرى نیست. مانند: مدرک تحصیلى.

### ■ الگوی فرهنگ<sup>۱</sup>

این واژه دارای ۳ کاربرد اساسی است:

✧ مفهومی که به سازمان مجموعه‌های فرهنگی مربوط می‌شود و سازنده ترکیب کلی فرهنگ جامعه است.

✧ مترادف با ارزش‌ها و باورهای مسلطی است که ویژگی بخش یک فرهنگ بوده و در این معنا مترادف با موضوعات فرهنگی در یک جامعه است.

✧ مفهومی که به سازمان و ویژگی‌های دو یا چند فرهنگ بر می‌گردد که می‌تواند در حکم یک واحد تلقی شود این کاربرد، مترادف با مجموعه فرهنگی است.

### ■ بقای فرهنگ<sup>۲</sup>

خصوصیت فرهنگی است که در پس از دست دادن کارکرد اولیه خود، بر جای مانده است.

### ■ صنعت فرهنگ

به مجموعه‌ای از صنایع اطلاق می‌شود که محصولات آنها درون‌مایه فرهنگی و معنوی دارند و برای غنی‌سازی حیات فکری و پالایش ذهن به کار می‌روند، مانند سینما.

### ■ مدل فرهنگی<sup>۳</sup>

هر فرد با مجموعه مدل‌های معین خود، از فرهنگ‌های دیگر متمایز می‌شود این مدل‌ها در رفتارهای افراد منعکس می‌شود.

1. Culture Pattern
2. Cultural Survival
3. Cultural Model

### ■ عنصر فرهنگی<sup>۱</sup>

کوچکترین جزء یک فرهنگ، عنصر فرهنگی نامیده می‌شود؛ مانند: لباس، خوراک و ...

### ■ ترکیب فرهنگی<sup>۲</sup>

مجموعه چند عنصر فرهنگی که در یک موضوع مشترک کارکردشان در یک جهت و منظور باشد، یک ترکیب فرهنگی را تشکیل می‌دهند.

### ■ حوزه فرهنگی<sup>۳</sup>

با توجه به دو منطقه در یک سرزمین، با اینکه آن دو منطقه فرهنگ کاملاً مشابهی ندارند اما نقاط مشترک و ترکیب‌های فرهنگی مشابه فراوانی بین آنها وجود دارد. این تشابه و همسانی به میزانی است که می‌توان مرز آن مناطق را نادیده گرفت. به عبارت دیگر مناطقی که دارای ترکیب فرهنگی مشابه و همسان هستند «حوزه فرهنگی» نامیده می‌شوند.

### ■ خرده فرهنگ<sup>۴</sup>

زیر مجموعه‌ای از فرهنگ غالب است. در این حالت رابطه خرده فرهنگ با فرهنگ غالب بزرگتر، رابطه تکمیل کننده است. مانند: خرده فرهنگ سنی، جنسی، قومی، شغلی، طبقاتی و ...

### ■ قوم‌مداری<sup>۵</sup>

به رفتار، قضاوت و اعتقادی اطلاق می‌شود که براساس آن فرد، گروه یا جامعه، فرهنگ خود را بهتر و برتر از دیگران می‌داند و به هنگام ارزیابی، یکی از جنبه‌های فرهنگی جامعه دیگر، فرهنگ خود را معیار قرار می‌دهد.

### ■ هنجارهای فرهنگی<sup>۶</sup>

معیارهای رفتارهای ثابتی هستند که گروه به لحاظ فکری یا رفتاری از افراد انتظار دارد که از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت هستند.

صورت‌های مختلف هنجارهای فرهنگی عبارتند از:

☆ ارزش‌ها؛

1. Cultural mental
2. Cultured completes
3. Cultural Area
4. Sub culture
5. Ethnosentrism
6. Cultural norms



☆ آداب و رسوم؛

☆ رسوم اخلاقی؛

☆ باورها؛

☆ تحول فرهنگ و تحول بشر؛

☆ تفاوت‌های فرهنگی.

۱- ارزش‌ها<sup>۱</sup>: احساسات ریشه‌دار و عمیقی که اعضای جامعه در آن شریک هستند، این ارزش‌ها اعمال و رفتار افراد جامعه را تعیین می‌کنند. مانند احترام به بزرگ‌ترها در جامعه ایران.

۲- آداب و رسوم<sup>۲</sup>: شیوه‌های رفتاری عادی که در جامعه رواج دارد؛ مانند روابط خویشاوندی.

۳- رسوم اخلاقی: رسومی که ویژگی‌های معناداری از رفتارهای درست و نادرست را در بر می‌گیرند. رسوم اخلاقی در نظام حقوقی و آموزش‌های مذهبی یک جامعه منعکس می‌شود. نقض این رسوم سخت ناپسند است.

۴- باورها<sup>۳</sup>: مفاهیمی کلی درباره جهان و ماهیت جامعه هستند که مردم درستی آنها را به عنوان واقعیت قبول دارند.

۵- تحول فرهنگ و تحول بشر: در بررسی فرهنگ به مثابه‌ی یک فرایند تاریخی باید دو امر را در نظر گرفت:

اول: فرهنگ وسیله‌ای است برای تمایز رفتار انسان از رفتار سایر جانداران؛

دوم: رفتار فرهنگی، با تأکید بر نمادها و زبان، اجازه داد که تفکرات و دستاوردهای انسانی در خلال اعصار تجمع و تراکم یابند و نتیجه آن افزایش جمعیت و افزایش استفاده از محیط طبیعی بوده است. فرهنگ چیزی نیست که انسان‌های اولیه چون به آن نیاز داشتند آن را اختراع کردند بلکه فرهنگ صورت رفتاری برخاسته از بشر است که به صاحبان آن امکان بقای فوق‌العاده‌ای اعطا کرده است.

شواهد موجود نشان می‌دهند که حدود پنجاه هزار سال پیش، انسان با خصلت‌های انسان امروزی وجود داشته است، رفتار فرهنگی این مردمان از شیوه‌های فرهنگی معدود قبایل فعلی که با شکار و گردآوری غذا امرار معاش می‌کنند فاصله چندانی نداشته است. از بیست هزار سال قبل هنر تصویرگری و تجسم حیوانات ظاهر شد و شکار گروهی در آن عصر وجود داشته است. حدود پنج

1. Values
2. Mores
3. Believes



هزار سال پیش در مصر و چین باستان ریاضیات، فلسفه، حدود پنج هزار سال پیش هنر معماری، فلزگری و ثبت مکتوبات اطلاعات و موارد مشابه شکل گرفت که به سرعت از مصر به منطقه مدیترانه منتقل گردید. از چین به جنوب شرقی آسیا رسید در قاره آمریکا نیز این امر حدود دو هزار سال دیرتر روی داد یعنی در هزاره اول پیش از میلاد و آن هم در آمریکای مرکزی بود (جلالی مقدم؛ ۱۳۸۵: ۴۹).

**۶- تفاوت‌های فرهنگی:** اساس تفاوت‌های فرهنگی را باید در توانایی‌های خلاق مغز آدمی جستجو کرد، زیرا آدمی می‌تواند به هر نوع از رفتار یا تغییر از وجود انسانی دست یابد. فرایند تکامل فرهنگی تدریجی و در همه مراحل عمرش همواره با تنوع‌ها و تفاوت‌ها بوده است. انسان‌شناسان بر این باورند که تنوع فرهنگی در قرون ۱۴ و ۱۵ م. به اوج خود رسیده است. در واقع نحوه پاسخگویی انسان‌ها به مسائل مختلف و در موقعیت‌های گوناگون موجب تفاوت‌های فرهنگی آنان است (همان: ۵۲).

## □ نقش دین در فرهنگ‌سازی

### □ رابطه دین و فرهنگ - فرهنگ و ادیان

دین ضمن آنکه بخشی از فرهنگ محسوب می‌شود به جهت مولد بودن آن فرهنگ‌ساز نیز است. اوبرون<sup>۱</sup> در این مورد معتقد است: «فرهنگ واقعیت را می‌سازد. فرهنگ چیزها و پدیده‌ها را در دنیای اطراف تعریف و آن را طبقه‌بندی می‌کند و به آنها معنا می‌دهد. فرهنگ تعیین می‌کند که چگونه اعضایش روابط خود را با محیط اطراف، ماوراءالطبیعه و دیگر اعضای گروه ببینند، فرهنگ تعیین‌کننده ارزش‌ها و قواعد رفتاری گروه است و اعضایش را در واکنش اجتماعی راهنمایی می‌کند.» جیزپ، اسپردلی و مک کوردی<sup>۲</sup> نیز نوشته‌اند: فرهنگ عبارت است از معرفت و شناختی که مردم جهت تعبیر و تفسیر رفتار اجتماعی به کار می‌گیرند. معرفت فرهنگی به صورت نظام پیچیده‌ای از نمادها (سمبل‌ها) ظاهر می‌شود و آن مستلزم تعریف از شرایط است که هر نسلی باید آن را کسب کند. در هر جامعه‌ای به خردسالان می‌آموزند که دنیا را به گونه‌ای خاص ببینند. آنها می‌آموزند که برخی از اشیا را تشخیص دهند و برخی دیگر را نادیده بگیرند.

1. Orbeon  
2. Mc Curdy



### ■ چگونگی ایجاد پیوستگی دین در فرهنگ

هر چند که از جهت‌های مختلف می‌توان موضوع دین و اصل پیوستگی را بررسی کرد اما ارزش‌ها موقعیت مهمی در قوت اتصال به فرهنگ برشمرد. گیدنز در تعریف فرهنگ بر ارزش‌ها تمرکز کرده و می‌نویسد: فرهنگ از ارزش‌های اعضای یک گروه معین، هنجارهایی که دنبال می‌کنند و کالاهایی مادی که تولید می‌کنند تشکیل شده است. باید دانست که در زندگی انسان ارزش‌های برخاسته از دین نقش منحصر به فردی می‌کنند که ناشی از تمایل و نیاز فطری آنان است. انسان به کمک علم، طبیعت را به گونه دلخواه و مناسب خود انتظام مجدد می‌بخشد اما سمت و سو و معنابخشی به آن را نمی‌تواند انجام دهد و این همان چیزی است که زندگی بدون آن بی‌معنا می‌شود. بنابراین دین از طریق ارزش‌هایش، باورهای جدیدی در فرد و جامعه ایجاد می‌کند که موجب باز شدن افق‌های نو در شناخت خود و هستی می‌شوند. بنابراین دین با رسوخ در ساختار فرهنگی جامعه به صورت نامرئی علاوه بر ایجاد پیوستگی اجتماعی مبنای آن را بر اصول و پایه‌های مشخص ارزش‌های همان دین استوار می‌کند.

### □ جامعه‌شناسی فرهنگی

#### □ موضوع جامعه‌شناسی فرهنگی

از نظر دانشگاهی، جامعه‌شناسی فرهنگی از حدود سال‌های ۱۹۷۰م. به بعد به تدریج شکل گرفت. جامعه‌شناسی فرهنگ مبتنی بر این اصل مهم است که معانی و مفاهیم مرتبط با صور مشخص فرهنگی فقط از طریق اقدامات گروه‌هایی از افرادی که آن را حمل می‌کنند، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند به اعتقاد «برگر»<sup>۱</sup> موضوع جامعه‌شناسی فرهنگی، شناخت گروه‌هایی از مردم است که از نظر تاریخی در وضعی قرار گرفته‌اند که آن را کاملاً انتخاب نکرده‌اند و مبادرت به تولید، باز تولید و تغییر مفاهیم نمادینی می‌کنند که در آئین‌های زندگی آنان مطرح است در این شرایط خرده فرهنگ‌هایی شکل می‌گیرند که ممکن است با فرهنگ مسلط مشکل پیدا کنند (محسنی؛ ۱۳۸۶: ۵۰).

«بارنز» و «بکر» در کتاب تاریخ اندیشه اجتماعی بر این تأکید دارند که کارکرد جامعه‌شناسی فرهنگ عبارت است از: تعیین آهنگ حرکات فرهنگ و تحلیل عناصر تکرارپذیر و تکرارناپذیر تجلیات

1. Berger

فرهنگی و فهم ارتباط آن تجلیات با سیر جامعه و تمدن. در واقع جامعه‌شناسی فرهنگی به مفهوم اثباتی آن می‌کوشد که اجزا یا عناصر فرهنگ را به عنوان متغیرهای وابسته و بخش‌های مرتبط با ساخت اجتماعی را به عنوان متغیرهای مستقل تحت بررسی و شناخت در آورد. به عنوان مثال مطالعه نگرش‌ها (به عنوان اجزایی از فرهنگ درونی شده) به گونه‌ای طراحی می‌شود که نگرش‌ها معلول نتایج و شرایط ساخت جمعیتی، استقرار اجتماعی افراد یا تعاملات اجتماعی آنها در ابعاد مختلف است. واقعیت مورد توجه این است که در شناخت یک فرهنگ از دیدگاه جامعه‌شناسی در عین حال که ابعاد زیسته آن مورد توجه خاص است، هم باید اقلام فرهنگی (اجزای شکل دهنده آن که همواره متغیرند) در چارچوب بررسی وارد شوند و هم تنوع آن (که براساس صور تولید مشخص می‌شود) مورد شناخت قرار گیرد (محسنی، ۱۳۸۶: ۵۰).

#### □ قلمرو جامعه‌شناسی فرهنگی

قلمرو جامعه‌شناسی فرهنگی را می‌توان به صورت زیر تقسیم‌بندی کرد:

- ❖ تعریف و مفهوم سازی از فرهنگ در زمینه‌های گوناگون مطالعات جامعه‌شناسی؛
- ❖ مفهوم سازی و عملیاتی کردن رابطه میان فرهنگ و ساخت اجتماعی؛
- ❖ چگونگی انجام دادن مطالعات نظام‌مند در زمینه فرهنگ و قلمرو آن؛
- ❖ مطالعات نظری و میدانی در قالب مفهوم‌سازی‌های نوین (از قبیل سرمایه فرهنگی، عدم تساوی در مقابل فرهنگ و ...).

با توجه به مطالب یاد شده جامعه‌شناسی فرهنگی را می‌توان رشته‌ای تعریف کرد که: «با توجه به روش‌ها، اصول معرفت‌شناختی جامعه‌شناسی، هنجارها، ارزش‌ها، اندیشه‌ها و باورهای مورد ارجاع و استفاده در میان مردم را با مراجعه خاص به نگرش‌ها و رفتارها در سطوح فردی و گروهی و در حین ارتباط دادن آن با ساختار اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد» (محسنی، ۱۳۸۶: ۵۳).

در نگاه کلاسیک، بیشتر به رابطه فرهنگ با اقتصاد، فرهنگ با جامعه و فرهنگ با سیاست توجه شده است اما در بررسی فرهنگ در مکتب فرانکفورت، بیشترین توجه به فرهنگ شده است. در مکتب فرانکفورت مخاطب رسانه‌ها، منفعل بوده و فرهنگ توده ساخته دست نظام سیاسی مسلط فرض شده است (بهار، ۱۳۸۱: ۴۴). در واقع فرهنگ در دیدگاه جامعه‌شناسان معاصر چون بوردیو، ریتزر، گیدنز و هابرماس و بسیاری دیگر محوریت خاص یافته است.



اصلی‌ترین سؤالات که در جامعه‌شناسی فرهنگ مطرح هستند عبارتند از:

- ☆ چرا ما در جوامع متفاوت با فرهنگ‌های متفاوت و گوناگون روبه‌رو می‌شویم؟
  - ☆ چگونه مردم و گروه‌های اجتماعی برای ساماندهی امور اطرافشان از فرهنگ بهره می‌گیرند؟
  - ☆ چگونه فرهنگ به عنوان عامل ارتباطی بین افراد و گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد؟
  - ☆ عناصر فرهنگ کدامند؟
  - ☆ ارزش‌ها در مقایسه با هنجارها و نمادها و عناصر مادی فرهنگ از چه اولویتی برخوردار هستند؟
  - ☆ آیا می‌توان به دلخواه یک گروه خاص از فرهنگ را دچار تغییر کرد؟
  - ☆ چگونه فرهنگ ابزار دست قدرت و گروه‌های فشار می‌شود؟
  - ☆ اگر فرهنگ، انسانی و عمومی است، چرا وسیله‌ای در دست سلطه قدرت‌های مختلف است؟
  - ☆ خرده فرهنگ و ضد فرهنگ چگونه به وجود می‌آید؟
- و سؤالات بسیار دیگری که در این رشته مطرح می‌شود (بهار؛ ۱۳۸۱: ۴۴).
- هال و همکارانش پنج دیدگاه را برای مطالعه جامعه‌شناسی فرهنگ مطرح می‌کنند:**
- ⊙ **ساخت نهاد فرهنگ:** که نگاه ویژه‌ای به الگوهای مادی و آرمانی فرهنگ دارد. (زبان، هویت شخصی، خانواده، رسانه و کار).
  - ⊙ **تاریخ فرهنگی و تداوم صور فرهنگی:** این موضوعات فرهنگی می‌توانند از محلی به محل دیگر و از زمانی به زمان دیگر تسری پیدا کنند و علاوه بر آن همه جوامع از نظر فرایندهای اصلی فرهنگی با هم به گونه‌ای اشتراک دارند.
  - ⊙ **تولید و توزیع اجتماعی فرهنگ:** محصولات فرهنگی در دسترس مردم به گونه‌ای که در زندگی اجتماعی مشارکت دارند به صور گوناگونی میان افرادی که در نقاط اجتماعی مختلف قرار دارند، توزیع می‌شوند.
  - ⊙ **معنا و اقدام اجتماعی:** هرگاه به جای پذیرش مظاهر فرهنگی آشکار توسط عاملان توجه را به خود عاملان معطوف کنیم و ببینیم آنان از میان عناصر گوناگون و متعدد فرهنگی به چه چیزهایی توجه می‌کنند و چگونه این فرایند صورت می‌گیرد و در نهایت نهادی شدن فرهنگ چگونه واقع می‌شود، مطالعه فرهنگی دقیق‌تر خواهد بود.

### 📖 خلاصه فصل اول

📝 فرهنگ از دیدگاه تایلور عبارت است از: مجموعه پیچیده‌ای از علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار، اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم، سنت‌ها و به طور خلاصه کلیه آموخته‌ها و عادت‌هایی که یک انسان به عنوان عضو جامعه کسب می‌کند.

📝 فرهنگ دارای دو بخش مادی و غیر مادی است. بخش مادی آن قابل لمس و قابل مشاهده است. مثل: تکنولوژی، پوشاک، غذا و ... بخش غیرمادی مانند: ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم، سنن و ...

📝 ویژگی‌های فرهنگ عبارت است از:

۱- فرهنگ آموختنی است؛

۲- فرهنگ جنبه اجتماعی دارد؛

۳- فرهنگ پویا و رشد یابنده است؛

۴- فرهنگ تنوع‌پذیر است؛

۵- مجموعه راه‌های زندگی اجتماعی است؛

۶- در همه فرهنگ‌ها زبان خاصی وجود دارد.

📝 کارکردهای فرهنگ: اجتماعی کردن افراد، آموزش و پرورش، نظارت اجتماعی، سازگاری فرد، انسجام اجتماعی، ارائه الگوهای رفتار فردی و اجتماعی، هویت بخشی به افراد جامعه. تمایز فرهنگ و جامعه: جامعه به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که در طول هزاران سال با یکدیگر در یک سرزمین معین زندگی کرده و جامعه‌ای متمایز از جامعه دیگر را تشکیل داده‌اند. اما فرهنگ شیوه زندگی اجتماعی است.

📝 تمایز فرهنگ و تمدن: تمدن دارای مقیاس سنجش است ولی فرهنگ استاندارد سنجش ندارد. تمدن پیوسته در حال پیشرفت است ولی فرهنگ این گونه نیست. تمدن بدون تلاش زیاد منتقل می‌شود اما برای انتقال فرهنگ تلاش زیادی می‌شود. تمدن را می‌توان بدون کمی و کاستی وام گرفت، اما فرهنگ چنین نیست.

📝 اصطلاحات مختلف فرهنگ عبارتند از: فرهنگ پذیری - اشاعه فرهنگی - نسبیت فرهنگی - بقای فرهنگی - مدل فرهنگی - عنصر فرهنگی ترکیب فرهنگی - حوزه فرهنگی - خرده



فرهنگ قوم مداری، هنجارهای فرهنگی: ارزش‌ها، آداب و رسوم، رسوم اخلاقی، باورها، تفاوت‌های فرهنگی، فولکور، سرمایه فرهنگی، الگوی فرهنگی، توسعه فرهنگی، هویت فرهنگی، همانندی فرهنگی، شوک فرهنگی و تأخر فرهنگی.

در مورد فرهنگ و تحول بشر باید اشاره کرد که فرهنگ وسیله‌ای برای تمایز رفتار انسان و رفتار سایر جانداران است و دوم اینکه رفتار فرهنگی با تاکید بر نمادها و زبان اجازه می‌دهد که تفکرات و دستاوردهای انسانی در طول اعصار تجمع و تراکم یابند و از طریق کنترل فرهنگ، تفکرات بشر و نوع زندگی بشر نیز تغییر و تحول یابد. معمولاً تفاوت‌های فرهنگی موجب می‌شود تا نحوه پاسخگویی افراد به مسائل پیرامون متفاوت باشد.

موضوع جامعه‌شناسی فرهنگی عبارت است از: شناخت گروه‌هایی از مردم که از نظر تاریخی در وضعی قرار گرفته‌اند که آن وضعیت را خود کاملاً انتخاب نکرده‌اند و مبادرت به تولید، باز تولید و تغییر مفاهیم نمادین می‌کنند که در آیین‌های زندگی آنان مطرح است، در این شرایط خرده فرهنگ‌هایی شکل می‌گیرند که ممکن است با فرهنگ مسلط مشکل پیدا کنند.

قلمرو جامعه‌شناس فرهنگی:

- تعریف و مفهوم سازی از فرهنگ در زمینه‌های گوناگون مطالعات جامعه‌شناختی.
- مفهوم‌سازی و عملیاتی کردن رابطه میان فرهنگ و ساخت اجتماعی.
- چگونگی انجام مطالعات نظام‌مند در زمینه فرهنگ و قلمرو آن.
- مطالعات نظری و میدانی در قالب مفهوم‌سازی‌های نوین.

## ۸ خودآزمایی فصل اول

- ۱- فرهنگ را تحلیل کنید.
- ۲- ویژگی‌ها و کارکردهای فرهنگ را بیان کنید.
- ۳- تفاوت‌های فرهنگ و تمدن را بیان کنید.
- ۴- اصطلاحات فرهنگ را بررسی کنید.
- ۵- ارتباط بین تحول فرهنگ و تحول بشر را بیان کنید.
- ۶- ارتباط بین دین و فرهنگ را بیان کنید.
- ۷- موضوع جامعه‌شناسی فرهنگی را شرح دهید.
- ۸- قلمرو جامعه‌شناسی فرهنگی را بررسی کنید.

## فصل

# مکاتب و نظریه‌های فرهنگی و جامعه‌شناسی فرهنگی



### ❖ اهداف آموزشی

- ❖ آشنایی با مکتب تحول
- ❖ بررسی مکتب اشاعه و انواع آن
- ❖ شناخت مکتب ساخت‌گرایی
- ❖ تعریف مکتب کارکردگرایی و اصول موضوع آن
- ❖ تحلیل مکتب تفسیری
- ❖ آشنایی با مکتب فرهنگ‌پذیری
- ❖ تعریف مکتب کنش متقابل نمادین
- ❖ آشنایی با مکتب نومارکسی
- ❖ بررسی مکتب تضادگرایی
- ❖ شناخت نظریه تأخر فرهنگی
- ❖ آشنایی با مکتب فمینیسم
- ❖ آشنایی با مکتب پست مدرن
- ❖ بررسی مکتب جهانی شدن فرهنگ

فرهنگ پیوسته از موضوعات مهم مطالعه در حوزه جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی بوده است و سؤالات بسیاری در این مورد مطرح شده است. برای پاسخ به این سؤالات مکاتب و دیدگاه‌های مختلفی شکل گرفته‌اند که در این فصل به آنها پرداخته می‌شود.

## □ مکتب تحول

نظریه تحول داروین و لامارک در زیست‌شناسی بسیاری از صاحب‌نظران در حیطه مردم‌شناسی و فرهنگ‌شناسی را تحت تأثیر قرار دارد. در سال ۱۸۷۷ م. لوئیس هنری مورگان<sup>۱</sup> با انتشار دو کتاب «جامعه اولیه» و «فرهنگ اولیه» سنگ بنای نظریه‌های تحول فرهنگی را بنیان نهاد. طبق دیدگاه تحول؛ رشد فرهنگ از حرکت تک خطی پیروی می‌کند. چراکه همه جوامع از مراحل فرهنگی مشخص عبور کرده‌اند. بررسی آثار اجتماعی و فرهنگی گذشتگان نشان می‌دهد که حتی جوامعی که به عالی‌ترین مرحله فرهنگ و تمدن دست یافته‌اند، مراحل ابتدایی را قبل از رسیدن به این مرحله گذرانیده‌اند.

دیدگاه تحول معتقد است که تاریخ و تمدن و فرهنگ انسان در جوامع به صورت زنجیری از نهادها، تکنیک‌ها، اعتقادات و حوادث در خطی مستقیم اما با سیری تدریجی ایجاد شده‌اند و مراحل مختلف تحول فرهنگ را فقط با روش مقایسه می‌توان بررسی کرد (روح الامینی؛ ۱۳۷۲: ۱۱۵).

مورگان در کتاب «جامعه اولیه» بر این باور است که جوامع بشری از ۳ مرحله بزرگ **توحش، بربریت و تمدن** عبور می‌کنند.

متفکرین دیگری چون تایلور<sup>۲</sup> نیز به حمایت از نظریه مورگان با توجه به فعالیت‌های تولیدی مراحل تحول جوامع را به سه مرحله **شکار، دامپروری و کشاورزی** تقسیم‌بندی می‌کند.

فریزر<sup>۱</sup> نیز در زمینه اعتقادی به این موضوع می‌پردازد: مراحل بی‌اعتقادی و بی‌دینی، اعتقاد به روح، اعتقاد به خدا، اعتقاد به خدای یگانه.

---

1. L.H. Morgan  
2. Taylor